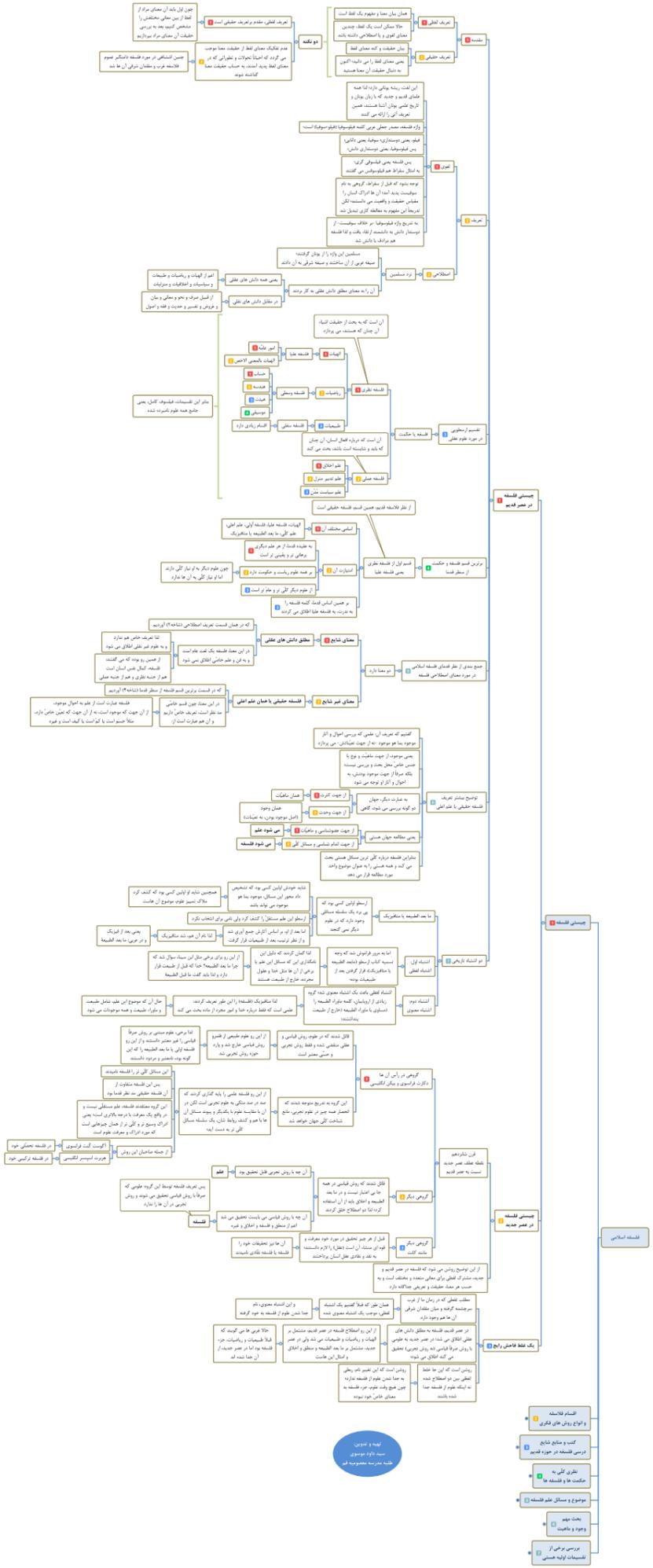


تهیه و تدوین:  
سید داود موسوی  
طلبه مدرسه معصومیه قم



شکفته طبری یا طبرستان  
شکفته خراسانی  
شکفته آذربایجانی

- استاد لایحه
- کتاب و منابع شایع
- درسی شکفته از حوزه جدید
- طبری آملی به
- حکایت ها و شکفته ها
- موضوع و مسائل شکفته
- بخش مهر
- رموز و باطنیات
- پرسش پرسش از
- تفسیرات اولیه جیشی



# فلسفه اسلامی

چستی فلسفه 1

اقسام فلاسفه و انواع روش های فکری 2

کتب و منابع شایع درسی فلسفه در حوزه قدیم 3

نظری کلی به حکمت ها و فلسفه ها 4

موضوع و مسائل علم فلسفه 5

بحث مهم وجود و ماهیت 6

بررسی برخی از تقسیمات اولیه هستی 7

کتاب اشارات 1

کتاب شفا 2

کتاب حکمة الاشراق 3

کتاب شرح منظومه 4

کتاب اسفار اربعه 5

اثر بوعلی سینا

اثر شیخ شهاب الدین سهروردی

اثر ملاهادی سبزواری

اثر ملاصدرا

در حوزه فلسفه مشائی

در حوزه فلسفه اشراقی

در حوزه حکمت متعالیه

تهیه و تدوین:  
سید داود موسوی  
طلبه مدرسه معصومیه قم

# فلسفه اسلامی

- 1 چستی فلسفه
- 2 اقسام فلاسفه و انواع روش های فکری
- 3 کتب و منابع شایع درسی فلسفه در حوزه قدیم
- 4 نظری کلی به حکمت ها و فلسفه ها
- 5 موضوع و مسائل علم فلسفه
- 6 بحث مهم وجود و ماهیت
- 7 بررسی برخی از تقسیمات اولیه هستی

فلسفه و حکمت، به مفهوم عام خود (یعنی مطلق علوم نقلی) از لحاظ متد و روش به چهار دسته تقسیم می شود

- 1 حکمت استدلالی
- 2 حکمت ذوقی
- 3 حکمت تجربی
- 4 حکمت جدلی

متکی به قیاس و برهان

بیشتر از استدلال، با ذوق و الهام و اشراق سروکار دارد

نه با عقل و استدلال، نه با دل و الهامات قلبی، بلکه حسّ و تجربه سروکار دارد

حکمت تجربی فوق العاده با ارزش است اما دو عیب دارد

حکمتی است که مقدماتش مشهورات یا مقبولات باشد لذا جدلی است نه برهانی

حکما معتقدند که اصول دین، با مقدمات برهانی بهتر قابل استدلال است تا با حکمت جدلی؛ از این رو به تدریج حکمت جدلی، رنگ حکمت برهانی گرفت و کلام، تحت الشعاع فلسفه واقع شد

بیشتر از آن چه از عقل الهام می گیرد از دل الهام می گیرد

یعنی نتایج علوم تجربی را با هم مرتبط می کند و به صورت حکمت و فلسفه در می آورد

محدود به علوم تجربی است و علوم تجربی محدود به محسوسات است، حال آن که نیاز 1 فلسفی بشر، بسی فراتر از قلمرو تجربه است

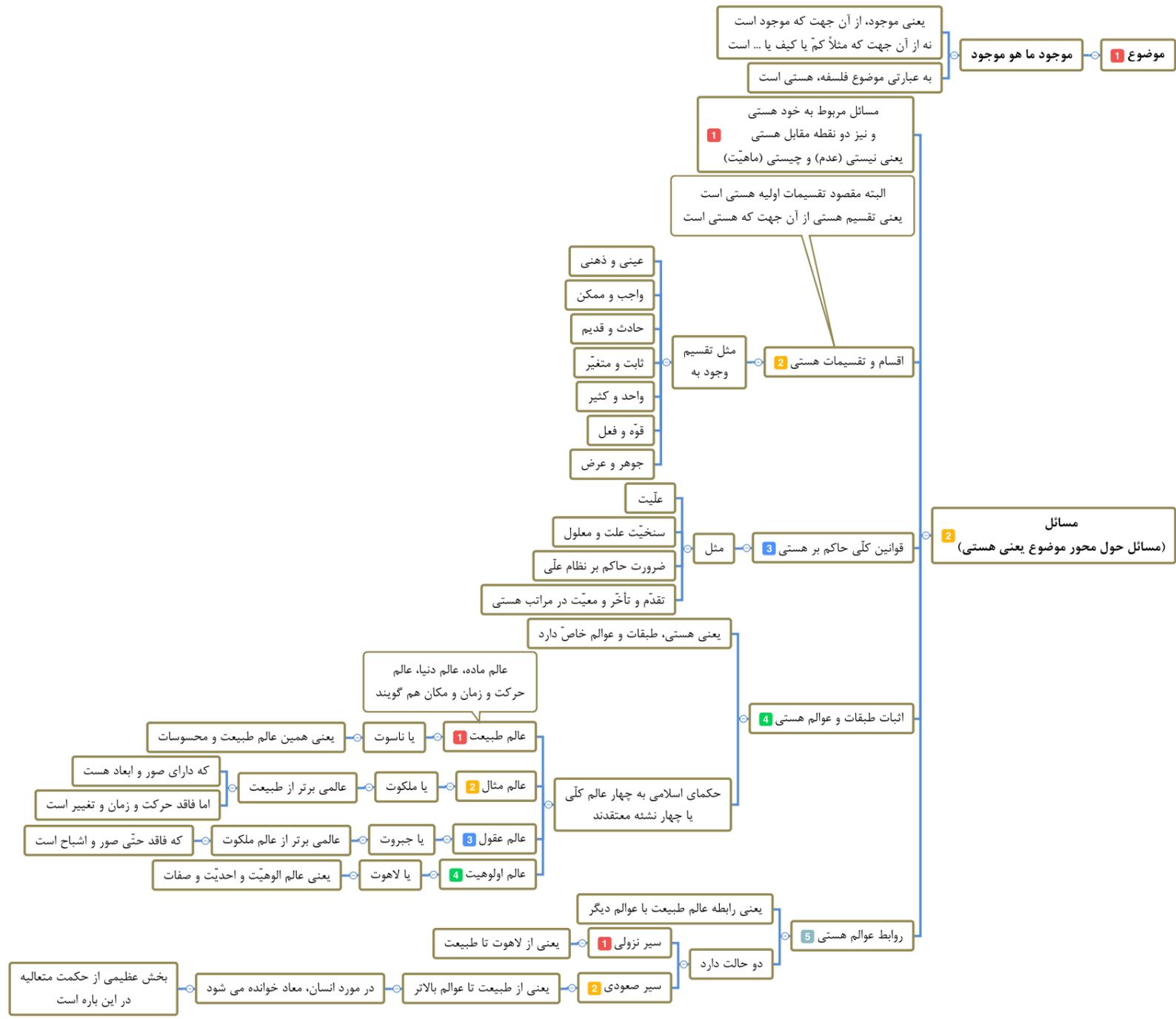
وابستگی و محدودیت مسائل تجربی به طبیعت، ارزش آن را متزلزل می کند؛ چرا 2 که مفید اطمینان و یقین نیست

تهیه و تدوین:  
سید داود موسوی  
طلبه مدرسه معصومیه قم

فلسفه اسلامی

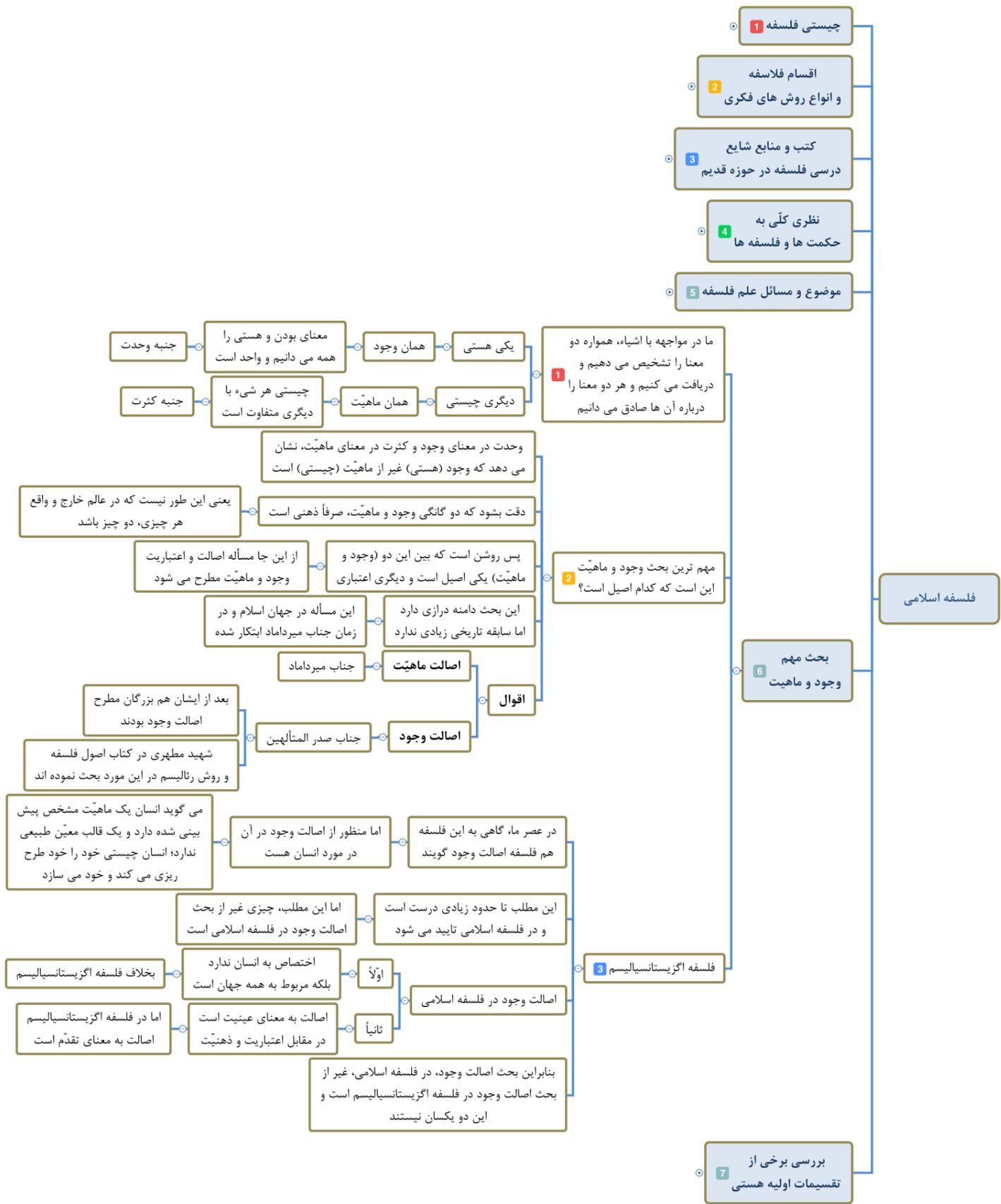
- 1 چیستی فلسفه
- 2 اقسام فلاسفه و انواع روش های فکری
- 3 کتب و منابع شایع درسی فلسفه در حوزه قدیم
- 4 نظری کلی به حکمت ها و فلسفه ها

موضوع و مسائل علم فلسفه



- 6 بحث مهم وجود و ماهیت
- 7 بررسی برخی از تقسیمات اولیه هستی

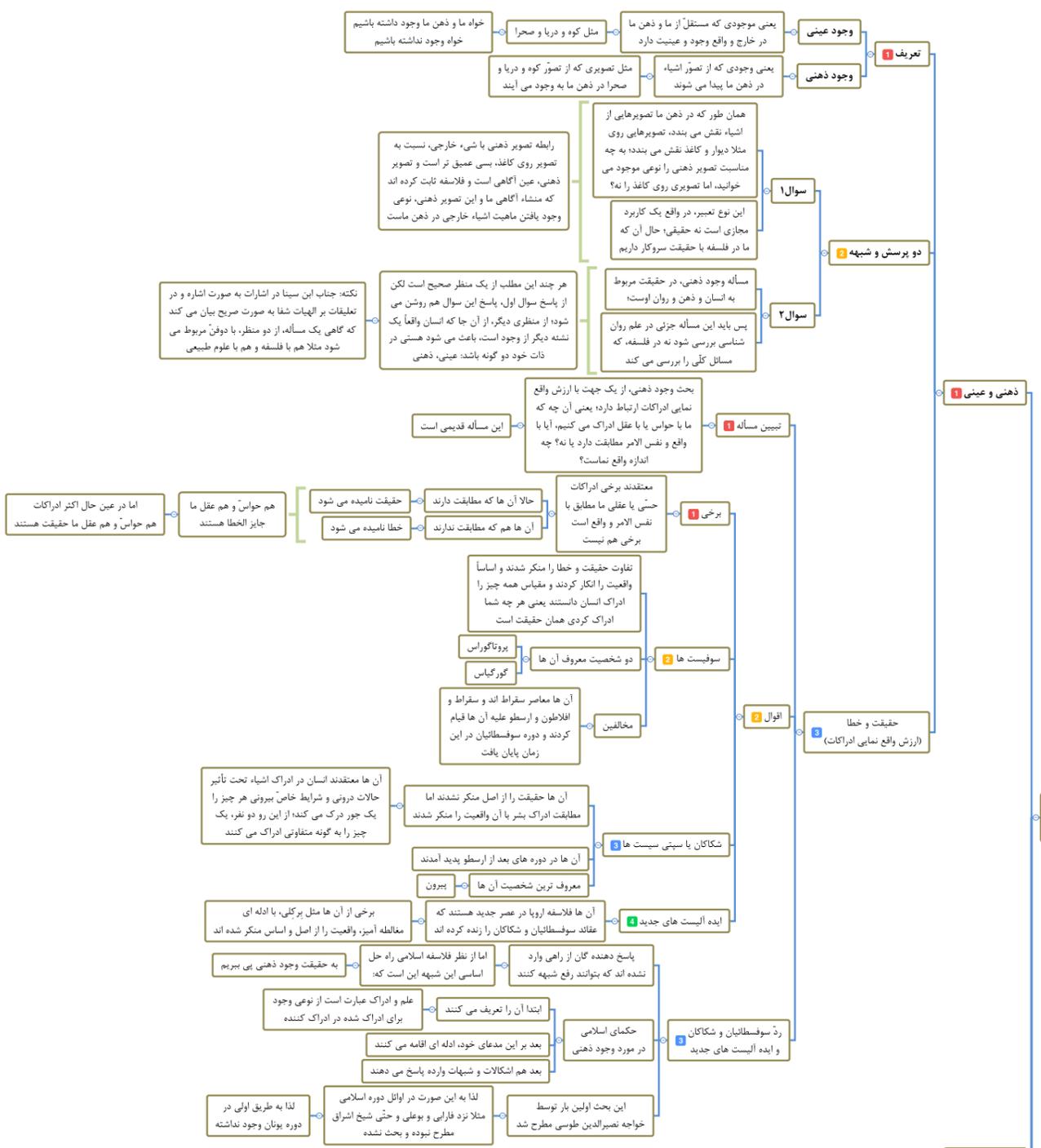
تهیه و تدوین:  
سید داود موسوی  
طلبه مدرسه معصومیه قم



تهیه و تدوین:  
سید داود موسوی  
طلبه مدرسه معصومیه قم

- 1 چستی فلسفه
- 2 اقسام فلاسفه و انواع روش های فکری
- 3 کتب و منابع شایع درسی فلسفه در حوزه قدیم
- 4 نظری کلی به حکمت ها و فلسفه ها
- 5 موضوع و مسائل علم فلسفه
- 6 بحث مهم وجود و ماهیت

فلسفه اسلامی



- 1 حادث و قدیم
- 2 ثابت و متغیر
- 3 علت و معلول
- 4 واجب و ممکن و مستثنی

فلسفه اسلامی

- 1 چیستی فلسفه
- 2 اقسام فلاسفه و انواع روش های فکری
- 3 کتب و منابع شایع درسی فلسفه در حوزه قدیم
- 4 نظری کتی به حکمت ها و فلسفه ها
- 5 موضوع و مسائل علم فلسفه
- 6 بحث مهم وجود و ماهیت

ذهنی و عینی 1

- 1 تعریف
  - در عرف و لغت
    - حادث
      - نو و جدید
    - قدیم
      - کهن و کهنه
  - در اصطلاح
    - فلاسفه
      - حدوث
        - مسیوق بودن هستی شیء
        - به نیستی خودش
      - قدیم
        - مسیوق نبودن هستی شیء
        - به نیستی خودش
    - متکلمین
      - همان معنای مد نظر فلاسفه را قائل اند ولی معتقدند تنها چیزی که مسیوق به عدم نیست، واجب الوجود است

2 حادث و قدیم

- 2 جمع بندی از نظر فلاسفه و متکلمین
  - فلاسفه
    - عالم طبیعت
      - فروع و جزئیات
        - حادث
      - اصول و کلیات
        - قدیم
    - ماوراء طبیعت
      - قدیم
  - متکلمین
    - فقط خداوند
      - قدیم
    - غیر خداوند
      - حادث

7 بررسی برخی از تقسیمات اولیه هستی

3 مشاجرات بین فلاسفه و متکلمین

عقیده متکلمین

لازمه قدیم، عدم نیاز به علت و خالق است؛ واجب الوجود بالذات بودن است

لازمه قدیم، عدم نیاز به علت و خالق است؛ واجب الوجود بالذات بودن است

اشتباه شما در این است که لازمه قدیم و ازلی بودن را عدم نیاز به علت می دانید؛

نیاز یا عدم نیاز یک شیء به علت، به ذات او بستگی دارد که واجب است یا ممکن؟ ربطی به حدوث یا قدوم او ندارد

مثال

مثلاً شعاع خورشید، از خورشید و ناشی از او و وابسته به اوست؛

حالا اگر این خورشید را موجودی ازلی و واجب فرض کنیم، چه این خورشید تشعشع داشته باشد چه نداشته باشد، خود خورشید وجود داشته؛

پاسخ فلاسفه

تطبیق

حالا مینتی بر همین استدلال و مثال، فلاسفه مدعی اند که نسبت جهان به خداوند، همان نسبت شعاع است به خورشید

البته با این تفاوت که خورشید، به خود و کار خود آگاه نیست و در کارش اراده ای ندارد لکن خداوند به ذات مقدسش و فعلش آگاه است

از همین رو آیه ۳۵ سوره نور بر همین بیان حمل شده: "الله نور السموات و الارض" یعنی خداوند، نور دهنده آسمان ها و زمین است و وجود آسمان ها و زمین، شعاعی است الهی

دلیل فلاسفه بر قدیم بودن اصول و کلیات عالم

اما می گویند که خداوند، فیض علی الاطلاق و قدیم الاحسان است

از این رو امکان ندارد که فیض و احسان او را محدود و مقطع فرض کنیم

لذا عالم، به عنوان فیض و احسان او، قدیم است

آن ها از خود عالم، دلیلی برای قدیم بودنش ندارند

در واقع فلاسفه با یک برهان لبتی، یعنی مقدمه قرار دادن وجود و صفات خداوند به قدم عالم رسیده اند

- 3 ثابت و متغیر
- 4 علت و معلول
- 5 واجب و ممکن و ممتنع

تهیه و تدوین:  
سید داود موسوی  
طلحه مدرسه معصومیه قم



فلسفه اسلامی

- 1 چیستی فلسفه
- 2 اقسام فلاسفه و انواع روش های فکری
- 3 کتب و منابع شایع درسی فلسفه در حوزه قدیم
- 4 نظری کتی به حکمت ها و فلسفه ها
- 5 موضوع و مسائل علم فلسفه
- 6 بحث مهم وجود و ماهیت

- 1 ذهنی و عینی
- 2 حادث و قدیم
- 3 ثابت و متغیر

1 **قدمت و موقعیت**

کهن ترین و قدیمی ترین مسأله فلسفه است

در هر سیستم فلسفی نام علت و معلول برده می شود. دارای ارزش متفاوتی هستند

ببخلاف مسائلی مثل اصالت وجود وجود ذهنی، قوه و فعل، ثابت و متغیر که در سیستم های مختلف دارای ارزش متفاوتی هستند

2 **تبیین اصل علیت**

علیت، عمیق ترین نوع رابطه و رابطه ای منحصر به فرد است میان دو شیء که علت و معلول نامیده می شوند

رابطه علت و معلول عبارت است از اینکه علت، وجود دهنده معلول است و معلول، تمام هستی و واقعیت خویشی را از علت دریافت می کند

روشن است که اگر علت نباشد معلول هم وجود نخواهد داشت بنابراین نیاز معلول به علت شدیدترین نیازهاست پس معلوم شد که علت هم، آن چیزی است که معلول در کیان و هستی خود به او نیازمند است

استدلالی ساده

صغری: هر پدیده ای معلول است  
کبری: هر معلولی، علت می خواهد

نتیجه: پس هر پدیده ای علت می خواهد

پس هیچ پدیده ای نیست که بدون علت باشد

یعنی اگر چیزی در ذات خود، عین هستی نیست و هستی بر او عارض شده و پدید آمده است ناچار در اثر دخالت عاملی به نام علت بوده

3 **نیاز معلول به علت**

در مقابل این نظریه، نظریه سُدْفَه و با اتفاق است که می گوید پدیده بدون علت می تواند موجود شود

قاعده ضرورت علت برای پدیده ها مورد قبول و اتفاق فلاسفه و متکلمین است با این فرق که این پدیده را:

فلسفه، اصل علیت را می پذیرد و به شدت نظریه سُدْفَه را رد می کند

4 **سنخیت علت و معلول**

هر علتی، فقط معلول خاصی را ایجاد می کند نه هر معلولی را

هر معلولی هم تنها از علتی خاص صادر می شود

بنابراین فلسفه ثابت می کند که بین هر علت و معلول آن، سنخیت و مناسبت خاصی حکم فرماست

این مهم ترین اصلی است که به ذهن ما نظم می بخشد و جهان را به صورت دستگامی منظم و مرتب نشان می دهد

5 **مسائل**

6 **اقسام علت**

7 **بررسی برخی از تقسیمات اولیه هستی**

در فلسفه ارسطویی علت چهار قسم است حتی در پدیده های طبیعی مثل سنگ

علت غایی  
علت فاعلی  
علت مادی  
علت صوری

مثال: ساخت یک ساختمان

سکونت در خانه  
بنا و کارگران  
ممالج  
شکل ساختمان

همان علت غایی  
همان علت فاعلی  
همان علت مادی  
همان علت صوری

4 **تفاوت اصطلاح علت در علوم فلسفی و غیره**

اصطلاح علت متفاوت است نزد علمای طبیعی

در هر موردی که صرفاً رابطه تحریک و تحرک داشته باشند، کلمه علت اطلاق می کنند

علمای الهیات

اگر چیزی وجود دهنده به چیز دیگری باشد

اگر چیزی نسبت به چیز دیگری حالت سببیت داشته باشد، اما وجود دهنده به آن نیست

علمای طبیعی  
علمای الهیات

5 **استحاله تسلسل**

در مورد علت به اصطلاح فلاسفه (نه علمای طبیعی) فلاسفه معتقدند که سلسله علل، منتهای است و نهایتاً به علتی که قائم بالذات است، منتهی می شود

فلاسفه براین زیادی اقامه می کنند تا ثابت کنند که: تسلسل علل غیر منتهای محال است لذا اختصاراً می گویند: تسلسل علل محال است

کلمه سلسله یعنی زنجیره

پس تسلسل یعنی زنجیره شدن علل غیر منتهای

لذا فلاسفه نظام علت و معلول را که پشت سر هم قرار دارند، به حلقات زنجیر تشبیه کرده اند

8 **واجب و ممکن و متمتع**

تهیه و تدوین:  
سید داود موسوی  
طلبه مدرسه معصومیه قم

